

نگاه

مولاوردی:

قوانین حقوقی برای افزایش جمعیت سالمندان در ایران آماده نیست

● ایسنا؛ دستیار ویژه رئیس‌جمهور در امور حقوق شهروندی گفت: جمعیت پیر ایران رو به افزایش است؛ این در حالی است که قوانین حقوقی هنوز برای این افزایش جمعیت و مسائل حقوقی حول این موضوع آماده نیست. شهیندخت مولاوردی ادامه داد: برای سال ۲۰۴۰ که جمعیت سالمندان کشور از کودکان بیشتر خواهد بود، باید از همین حالا آماده شد و با اصلاحات مورد نیاز در نظام‌های سلامت و بهداشتی و حقوقی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی به پیشواز آن رفت. مولاوردی گفت: سازمان‌های بیمه‌گر باید پوشش کافی و مناسبی برای سالمندان از لحاظ قدرت خرید دارو، انجام عمل‌های جراحی مورد نیاز، تهیه وسایلی از قبیل عصا، ویلچر و سمعک و... در نظر بگیرند که از ابتدایی و ضروری‌ترین نیازهای سالمندان است. او افزود: بیشتر ساکنان خانه‌های سالمندان از زنان تشکیل می‌دهند که علاوه بر بالا بودن سن امید به زندگی در زنان به نسبت مردان، میراث زوجه از زوج مطابق قانون مدنی نیز در این وضعیت مؤثر است و اغلب موارد فرزندان به راحتی با پرداخت سهم یک‌هشتمی مادر، او را راهی خانه‌های سالمندان می‌کنند که بازنگری در این موارد که نص صریح قرآنی هم ندارد، ضرورت می‌یابد. دستیار ویژه رئیس‌جمهوری در حقوق شهروندی با اشاره به اینکه مبلمان شهری ما مناسب سالمندان نیست گفت: معابر و مبلمان شهری نیاز به ایمن‌سازی مناسب دارد تا سالمند بتواند با خطر کمتری تردد کند. فروشگاه‌ها، معابر، اتوبوس‌ها باید به سالمندان همراه با ویلچر و شرایط خاص سرویس و خدمات دهد. حق شهروندی سالمندان است که حضورشان در سطح شهر تسهیل شود و حذف نشوند. اینکه در وسایل حمل‌ونقل عمومی جای ویژه‌ای به سالمندان داده شود، در مجامع عمومی به فضاهاى امن آنها فکر شود تا خانه‌نشین نشوند و افسردگی و بیماری‌های دیگر آسیب‌های بیشتری به آنها وارد نکنند، در یک کلام حق بر شهر و حق بر حمل‌ونقل عمومی حق شهروندی آنهاست، که این حقوق فصل مشترکشان با زنان و افراد دارای توانایی‌های خاص هم هست. او در همین‌باره گفت: بسیار ضروری است که سالمندان به سرویسی آسان برای دریافت خدمات مورد نیازشان دسترسی داشته باشند تا زمانی که فرزندی ندارند یا فرزندانشان وقت کافی ندارند، برای رفع مشکلات و نیازهایشان بتوانند از مرکزی امن و در دسترس کمک بگیرند.

شیرین کریمی؛ فریدون توللی از نسل اول شاعران پس از انقلاب مشروطه بود. سال‌های نوجوانی او سال‌های پایانی جنگ دوم جهانی بود. در طول عمرش، شاهد رفتن رضاشاه، اشغال ایران از سوی متفقین، سلطنت محمدرضاشاه، برآمدن حزب توده، نهضت ملی، کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و انقلاب اسلامی در ۱۳۵۷ بود. شعر سیاسی پس از انقلاب مشروطه در ایران رواج یافت. توللی به تأثیر از نیمایوشیج به شعر نو روی آورد. نیما از سیاست رویگردان بود و فریدون آغازگر شعر نوی سیاسی در ایران شد.

در دهه ۲۰ و ۳۰ شمسی، چهار خاندان صاحب قدرت در عرصه سیاسی در شیراز بود؛ خاندان بزرگ «قشقایی» که مخالف سلطنت و حضور انگلیسی‌ها در ایران بودند، خاندان «قوامی» که به شکل آبا و اجدادی حاکم فارس و مدافع منافع انگلیس بودند، خاندان «نمازی» که از اعیان فارس و فعال در امور بازرگانی و تجاری بودند و خاندان «حکمت» که بیشتر در مناصب حکومتی و نمایندگی مجلس سمت داشتند. از این چهار خاندان، فقط قشقایی‌ها موافق ملی‌شدن صنعت نفت بودند. در میان قشر روحانیون شیراز هم دو خاندان «محلّاتی» و «قال اسیری» از موافقان دولت دکتر مصدق و ملی‌شدن صنعت نفت بودند و روحانی پراوازه‌ای به نام «سیدنورالدین» نیز از مخالفان سرسخت دولت مصدق در شیراز بود^۱. در میان این بازیگران قدرتمند، فریدون توللی که پیشینه خانوادگی‌اش به ایل قشقایی بازمی‌گشت، از طریق روزنامه‌نگاری و سرودن شعر و فعالیت‌های سیاسی به یکی از قوی‌ترین بازوان حامی اصلاح‌طلبانِ نهضت ملی در ایران تبدیل شد.

آذرماه ۱۳۲۳، دفتر حزب توده در خیابان لطفعلی‌خان زند در شیراز تأسیس شد و مدتی بعد، دفتر حزب به باغچه باصفایی در چهارراه زند (محل کنونی سینما ایران) منتقل و فریدون توللی ۲۰ساله نیز مانند اغلب روشنفکران و نویسندگان و شاعران آن زمان، همراه شاخه حزب توده در شیراز شد. هرروز عصر در مقابل دفتر حزب توده، بالای محل پخش مطبوعات، شعرهای فریدون را با آهنگ در بلندگو می‌خواندند^۲. فعالیت حزب توده در شیراز که منطقه نفوذ انگلیس‌ها بود، حادثه پرسروصدایی بود و بیشتر حمله‌های حزب توده در شیراز، در این زمان متوجه بزرگ‌مالک فارس، ابراهیم قوام، بود^۳. زمانی که سران حزب توده به دستور سفارت شوروی از شورش فرقه دموکرات آذربایجان

سیاست



نگاهی به زندگی فریدون توللی

شاعر در شیراز پس از کودتا

۱۳۳۲ به قلم فریدون توللی است^۴. طرح اولیه کودتا علیه دولت مصدق در خردادماه ۱۳۳۰ به دست وزارت خارجه انگلستان ریخته شده بود^۵. چند روز بعد، دکتر مصدق مورد حمله اقلیت مجلس شانزدهم قرار گرفت. در ۲۳ شهریور ۱۳۳۰، آیت‌الله کاشانی از مردم سراسر کشور خواست در آن روز به حمایت از دکتر مصدق تظاهرات کنند. اخبار به شیراز رسید و سید نورالدین در مسجد وکیل در یک سخنرانی اعلام کرد مردم از تظاهرات پرهیز کنند^۶. در پی این سخنرانی و کارشکنی‌های سید نورالدین علیه نهضت ملی، فریدون توللی اشعار و مقالاتی انتقادی علیه مخالفان دولت دکتر مصدق نوشت. شعرى علیه سید نورالدین سرود و انتشار این شعر و تکرار بیت‌هایی از آن از زبان کودکان در کوچه و خیابان باعث خشم هواداران سید نورالدین و مخالفان مصدق شد^۷.

در تاریخ ۲۱ مهر ۱۳۳۰، به عبدالحسین ادیبی، مدیر روزنامه صدای شیراز و فریدون توللی، نویسنده آن روزنامه، موقع خروج از دفتر روزنامه حمله شد و حدود یک ساعت این دو نفر مورد ضرب‌وجرح شدید قرار گرفتند. در پی این حادثه، مدیران جراید اصلاح‌طلب شیراز اعتراض کردند. چند روز پس از این حوادث، اسماعیل قوامی، ملقب به فروغ‌الملک، از ریاست شهربانی شیراز برکنار و به مقام ریاست بازرسی شهربانی کل کشور منصوب شد و مخالفت آشکار خود را با دولت مصدق اعلام کرد^۸. شهربانی

با حمایت فروغ‌الملک قوامی، در حمله به توللی و ادیبی و انتشار شب‌نامه‌ای علیه این دو نفر همکاری داشت^۹. به منزل توللی نیز حمله شد و شیشه‌های منزل او شکسته شد و گفته شده است که مهاجمان قصد آتش‌زدن منزل توللی را داشتند^{۱۰}. پس از این حوادث، در تاریخ اول آبان ۱۳۳۰، اعضای انجمن روزنامه‌نگاران فارس در منزل توللی گرد هم آمدند و به محدودکردن آزادی قلم اعتراض کردند و بیانیه‌ای را منتشر کردند^{۱۱}.

در اردیبهشت‌ماه ۱۳۳۱، انتشار روزنامه ارگان حزب برادران با نام «شفق شیراز» آغاز شد. حزب برادران منتسب به سیدنورالدین بود و ادبیات این نشریه متأثر از ادبیات سیاسی فدائیان اسلام بود. روزنامه شفق شیراز در شماره پانزدهم نشریه «صدای شیراز» را «صدای آمریکا» و فریدون توللی را «میرزا قشمشم»، «شاعر میلی»، «مزلّف»، «چاکر دزد» و «جاسوس اجانب» نامید^{۱۲}.

در تهران قیام ملی ۳۰ تیر ۱۳۳۱ رخ داد، دکتر مصدق به مقام نخست‌وزیری بازگشت و در شیراز اصلاح‌طلبان حامی نهضت ملی برای پشتیبانی از دولت مصدق و پیگیری اصلاحات اساسی و موضوعات عام‌المنفعه و احتیاجات محلی «جبهه طرفداران ادامه نهضت ملی در فارس» را تشکیل دادند. فریدون توللی از اعضای اصلی این جبهه بود و بعد به رهبری جبهه انتخاب شد^{۱۳}.

پس از قیام ۳۰ تیر ۱۳۳۱ مظفر بقایی نیز در تهران راه خود را از نهضت ملی جدا کرد و «یک روز عصر جماعت داشتند کارهای عادی حزب زحمتکشان ایران را می‌گردانند که یک‌مرتبه هجومی می‌شود، جماعتی از چاقوکشان می‌ریزند توی حزب و حضرات را با پس‌گردنی از در حزب بیرون می‌کنند»^{۱۴}. دو روز بعد از این حادثه حزب «نیروی سوم» تأسیس شد که از یک سو در برابر حزب توده و از سوی دیگر در برابر مظفر بقایی بود و به‌طورکلی از ملی‌شدن صنعت نفت و دولت مصدق حمایت می‌کرد. دفتر حزب نیروی سوم در شیراز در خیابان قاآنی‌کهنه (شمالی) در ساختمانی روبه‌روی مدرسه حاج قوام قرار داشت و فریدون توللی مسئول تشکیلات حزب در شیراز و از جمله نویسندگان روزنامه حزب نیروی سوم بود^{۱۵}.

در فروردین ۱۳۳۲ شهر ناآرام بود و موافقان و مخالفان دولت دکتر مصدق هر دو سخت در حال فعالیت بودند، حمایت و پشتیبانی از سطح احزاب و تشکل‌ها فراتر رفته بود و ...

ادامه در صفحه ۱۹

ادامه از صفحه ۶

در زندان کودتاجیان

بنابراین در فشار به مصدق با انگلیس‌ها هم‌داستان شدند و سرانجام نقش اول را در کودتا بر عهده گرفتند. اگر مصدق به آمریکایی‌ها اعتماد داشت، چرا هیچ‌یک از پیشنهادهای آنان را نپذیرفت؟ او می‌خواست از همان شکاف اندک و رقابت بین دو قدرت، به نحوی که مغایر با حق حاکمیت ملت نباشد، به نفع جنبش ملی بهره‌برداری کند که نتیجه‌ای در بر نداشت. اعتماد و اتکای او، بی‌تردید بر ملت بود. به احتمال زیاد، اگر مجموعه همکاران و دستگاه‌های زیرمجموعه دولت او هوشیاری داشتند و مراقبت جدی و دقیق‌تری می‌کردند، کودتا موفق نمی‌شد. تعیین سهم شخص مصدق در این غفلت و دست‌کم‌گرفتن خطر کودتا، محتاج بررسی دقیق‌تر است.

۴ چرا در ۲۹ مرداد سال ۱۳۳۲ مردم مثل ماجرای ۳۰ تیر سال ۱۳۳۱ به میدان نیامدند و از دکتر مصدق حمایت نکردند؟

چون مانند دفعات قبل، به‌موقع از مردم دعوت نشد به خیابان‌ها بیایند. در ۲۹ تیر سال ۳۱، نمایندگان نهضت ملی در مجلس از مردم خواستند در اعتراض به عزل دکتر مصدق و انتصاب قوام، به خیابان‌ها بیایند و تظاهرات کنند. آیت‌الله کاشانی هم بیانیه داد و از مردم خواست به خیابان‌ها بریزند و شخصا هم تهدید کرد که در اعتراض به این اقدام غیرقانونی، کفن‌پوش به خیابان‌ها خواهد آمد.

در نتیجه، با وجودی که نظامیان و تانک‌های خیلی بیشتری به‌مقابله با مردم آمدند، سرانجام شکست‌خورده عقب‌نشینی کردند. در ۲۸ مرداد ۳۲، مردم و رهبران غافلگیر شدند. روز بعد از شکست کودتای ۲۵ مرداد، خیابان‌ها به اشغال مردم درآمد. حضور مأموران حکومت نظامی هم در خیابان‌ها پررنگ بود؛ بنابراین چنان که اسناد کودتا نشان می‌دهد، کارگردانان کودتا آماده پذیرش شکست می‌شدند؛ اما تئوری‌ها و افراط‌گرایی‌هایی صورت گرفت و مستمسک به دست سران کودتا داد تا در مردم و به‌ویژه روحانیون و نظامیان، با فوری قلمدادکردن خطر تسلط کمونیست‌ها بر کشور، تولید هراس کنند. چنان‌که هندرسون، سفیر آمریکا، در دیدار با دکتر مصدق، نسبت به امنیت نیروهای آمریکایی هشدار داد. دکتر مصدق هم که خطر کودتا را منتفی می‌دید، برای جلوگیری از سوءاستفاده از آشوب‌ها، از طرفداران خود خواست به تظاهرات پایان دهند. در نتیجه، خیابان‌ها از مردم خالی شد و تعداد تانک‌ها و نیروهای نظامی هم در سطح شهر کاهش پیدا کرد.



BOSCH

فناوری در خدمت زندگی

بوش

تا ۲۰٪ تخفیف








boschhomeir


کالا.com


کاسپین


مرستان


سناپویان

تازگی بیشتر اکنون با هزینه کمتر.

تازگی ۲ برابر بیشتر را با فناوری VitaFresh و همراه با تخفیف ۲۰٪ در یخچال فریزر های بوش تجربه کنید. www.bosch-home.com/ir

تا تاریخ ۹ شهریور تمدید شد.

نمایندگی های رسمی بوش در ایران